

بررسی جرم آدم‌ربایی در فقه و حقوق موضوعه با رویکردی به نظر حضرت امام خمینی (س)

جمشید جعفرپور^۱

ابوالفضل احمدزاده^۲

چکیده: در مقاله پیش‌رو جرم آدم‌ربایی از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و با ارائه دیدگاه‌های فقهیان شیعه و سنی در این زمینه و با رویکرد به نظر فقهی حضرت امام خمینی (س) در باب سرقت، به نحو تحلیلی به ربودن انسان آزاد چه صغیر و چه کبیر، پرداخته شده است. از بعد حقوقی نیز با طرح آرای حقوقدانان معاصر و نقد و بررسی هر یک از این دیدگاه‌ها و همچنین تبیین رویه قانونگذار در این باب به صورت مفصل، اقدام شده و در انتهای بحث، بررسی تطبیقی ماده ۶۳۱ ق.م.ا. و ماده ۶۲۱ همان قانون صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جرم آدم‌ربایی، مخفی کردن، سرقت، الفساد فی الأرض، طفل تازه متولد شده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱) تعریف آدم‌ربایی از دیدگاه فقهی و قانونی الف) آدم‌ربایی از دیدگاه فقهی

جرم آدم‌ربایی از دیرباز وجود داشته و حقوقدانان مسلمان نیز در برخی از ابواب فقه به بیان احکام مرتبط با آدم‌ربایی پرداخته‌اند که از جمله، در باب حد سرقت، ربودن انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم. e-mail: jafarpour@iranculture.org

۲. دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

e-mail: ahmadzadeh20@gmail.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۵ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ مورد تأیید قرار گرفت.

بر اساس اتفاق نظر فقهای شیعه و سنی، شرط تحقق سرقت، آن است که موضوع سرقت، مال باشد و انسان آزاد، مال نبوده و ربودن او سرقت محسوب نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توان مجازات سرقت را در این مورد اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی‌کند که فرد ربوده شده کودک یا بالغ باشد. اما اگر فرد ربوده شده هبند نابالغ یا دیوانه باشد در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد:

اگر کسی هبند نابالغ یا مجنون را بدزدد، دستش قطع می‌شود؛ زیرا هبند نابالغ و مجنون، مال محسوب می‌شوند و امکان سرقت آنها وجود دارد؛ اما اگر کبیر و هائل باشد دست رباینده قطع نمی‌شود، زیرا سرقت آنها امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را بریاید، سرقت محسوب نمی‌شود، بلکه خصص است، مگر اینکه مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می‌شود؛ زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد (ابن قدامه ج ۱: ۳۴).

نظریه فوق مؤید آن است که ملاک اجرای حکم سرقت، تحقق عنوان سرقت است و این عنوان در مواردی صدق می‌کند که آنچه ربوده می‌شود، مال باشد. بنابراین نباید میان صورتهای مختلف تفاوت گذاشت؛ زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می‌کند و از این رو، این تفکیک قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه شاید بتوان تأمل کرد، زیرا هدف ممنوعیت جرم آدم ربایی، تضمین آزادی تن وی می‌باشد و شخص دیوانه، از این نظر مانند محکوم هائل، مورد حمایت قانون نیست. بنابراین ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص هائل را داشته باشد. توجیهی که بر رد این ادعا می‌توان مطرح کرد آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان هائل و غیر هائل هم تفاوتی با هم ندارند و به صورت یکسان در حمایت قانون می‌باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد. البته دادگاه می‌تواند این تفاوت را ملاکی برای اعمال حداقل و حداکثر مجازات قانونی قرار دهد (زوات ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۵۱).

کثیری از فقها به دلیلی که در بالا گفته شد، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند؛ اما با استناد به روایات (حر عاملی بی‌تاج ۱۸: ۵۱۴) مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده‌اند و در توجیه آن به نظریه افساد فی الارض استناد می‌جویند (مرحسی ۱۳۷۶ ش ۲۰: ۳۴). البته حق آن است که نمی‌توان هر عمل ناشایست را که عنوان خاص مجرمانه‌ای را دارا نیست، تحت شمول عنوان «افساد فی الارض» قرار داد و برای آن مجازات محاربه و افساد فی الارض در نظر گرفت؛ چرا که فقها در موارد معین، مصادیق افساد فی الارض را مشخص کرده‌اند و عنوان

آدم‌ربایی یکی از همین مصادیق است (شیخ طوسی ۱۴۱۳ ج ۱۰: ۱۳۳، ۱۳۳۳ ج ۲: ۷۳۳ شهید ثانی ج ۲: ۵۱). محقق حلّی در *مختصر الشیخ* می‌گوید: «دست چنین کسی به خاطر افساد قطع می‌شود نه از باب حدّ» مرحوم خوانساری در شرح عبارت فوق می‌گوید: «دلیل آن روایت سکونی از امام صادق^(ع) است که فرمود: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّى بِرَجُلٍ قَدْ بَاعَ حَدًّا فَقَطَعَ يَدَهُ» و نیز روایت انسان بن ظریف از امام صادق^(ع) است که فرمود «فِيهَا أَرْبَعَةٌ حُدُودٌ ... أَمَّا مَا ذَكَرَ مِنْ أَنَّ الْقَطْعَ لَيْسَ حَدًّا بَلْ لِلْفُسَادِ» (خوانساری ۱۳۶۴ ج ۷: ۱۴۵). البته ایشان در ادامه بحث خود می‌گویند که این قول اثر عملی ندارد و معتقد است که قائل شدن به آن احتیاج به کبرایی دارد که فساد، موجبی برای قطع باشد و دلیلی بر وجود آن نیست. مقدس اردبیلی در *رہنہ المؤمنین* ذیل آیه ۳۳ مائده در حدّ محاربه این احتمال را مطرح کرده که فساد می‌تواند موجب قتل باشد.

امام خمینی^(س) در پاسخ به این سؤال که آیا دست آدم‌ریا به دلیل فساد قطع می‌شود، می‌فرماید: «لو سرق حراً کبیراً أو صغیراً، ذکرأ أو انثی - لم یقطع حدّاً، فهل یقطع دفعاً للفساد؟ قیل: نعم و به روایة، و الأحوط ترک القطع و تعزیرہ بما یراه الحاکم» (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲ و ۱: ۸۸۵) یعنی قول ضعیفی گفته است؛ بله و بر آن روایتی دلالت دارد؛ ولی احتیاط در عدم اجرای قطع و تعزیر آدم‌ریا بر اساس نظر حاکم است.

شارح *تحریر الوسیطه* معتقد است که:

عدم قطع دست آدم‌ریا به واسطه این است که موضوع سرقت که رسیدن ارزش مال مسروق به میزان نصاب باشد، در آدم‌ربایی وجود ندارد و لازمه تحقق سرقت ارزش مالی داشتن مسروق در لغت و عرف است. ممکن است گفته شود که دلیل اجرای حدّ قطع برای حراست مال است و حراست نفس اولی بر آن است که بطلان این استدلال واضح است و موافق مذهب ما نیست. همچنانکه در جواهر این مطلب آمده است؛ هر چند قطع به خاطر دفع فساد از شیخ طوسی در *الانهاج* و جماعتی بلکه مشهور نقل شده است. اما فرض کلام آنها در موردی است که شخص حرّی را براید و او را بفروشد، و مستند آن روایات متعددی است که در این معنا ظهور دارند؛ از جمله روایت سکونی در باب سرقت و سائل *الشیخه* می‌باشد. به هر حال، در این روایات چند بحث وجود دارد: اول اینکه، آیا با ملاحظه آنها حکم قطع ثابت می‌شود یا نه؟ چه بسا گفته شود روایات مذکور ضعیف هستند و

شهرت، ضعف آنها را جبران نمی‌کند؛ زیرا اصل شهرت همان فتوای شیخ در نه‌ماه است که بعداً در کتاب خلاف از آن حدول کرده است. دوم اینکه، آیا قطع بر فرض ثبوت به دلیل سرقت است یا دلیل دیگری مثل فساد؟ انصاف این است که اگرچه در روایات تعبیر به سرقت شده، ولی قطع مذکور در آنها مستند به سرقت نیست؛ بلکه ظاهر این است که وجه دلیل آن همان فساد و مفسده باشد (فاضل لنکرانی ۱۴۰۶: ۳۳۵-۳۳۳).

از عبارات فوق می‌توان چنین برداشت کرد که شارح *تحریر الوسیله* نیز عنوان «افساد فی الارض» را برای آدم‌ربایی نفی نکرده است. هرچند در بحث مجازات مفسد، اعتقاد دارد که اگر عمل مذکور از مصادیق فساد باشد، لازم است مجازاتهای چهارگانه مفسد بر آن مترتب گردد.

از طرف دیگر مرحوم خوئی، در مورد فروش انسان، معتقد است که: «من باع انساناً حرّاً صغیراً او کبیراً ذکراً أو أنثی، قطعیت یده» (خوئی ۱۳۲۲ ج ۱: ۳۸۴). ایشان ذیل عبارت، به نقل احادیث پرداخته است، ولی در مورد اینکه قطع دست مرتکب، به‌عنوان مجازات سرقت است یا به‌دلیل صدق عنوان افساد، اشاره‌ای به موضوع ندارد و تنها در جهت تأیید نظر خویش، به احادیث منقول در *وسطی* نسبت به حدیث معتبره سکونی از امام صادق^(ع): «أن امیر المؤمنین^(ع) أتى بر رجل قد باع حرّاً فقطع یده» استناد می‌کنند (خوئی ۱۳۲۲: ۳۸۵).

مرحوم صاحب *جوهر* در این خصوص می‌فرماید:

این اشکال اجتهاد در مقابل نص است، اگر از باب فساد باشد؛ چون آدم ربایی، محاربه و افساد خاصی است که با توجه به دلیلی خاص حکمش فقط قطع است (نجفی ۱۹۸۱ ج ۳۱: ۵۱۰).

شارح *تحریر الوسیله* در ادامه چنین می‌گوید:

ظاهر این است که احکام چهارگانه مذکور در آیه به این واسطه بر محارب حمل می‌شود که سعی در فساد در زمین می‌کند. به این معنا که محارب به واسطه اینکه از مصادیق مفسد فی الارض و از افراد آن است، این احکام بر او مترتب می‌شود. بنابراین از آیه مربوطه حکم مفسد فی الارض از جهت اینکه مفسد است، نهمیده می‌شود... (فاضل لنکرانی ۱۴۰۶: ۵۰۱).

به تعبیر دیگر، ایشان بحث در احکام محارب را، بحث از احکام مفسد می‌دانند که به نظر می‌رسد در این صورت، تعدد آیات لازم نبود (حبیب زاده ۱۳۶۹: ۱۵۹).

در این قسمت برای تبیین نظر حضرت امام خمینی (س) در خصوص جرم آدم‌ربایی لازم به توضیح و بررسی است که امام در کتاب *محررین و موسیسه* به تأسیس نظریه‌ای جدید در باب محاربه، روی می‌آورد که می‌توان در نظریه ایشان «محاربه بر وجه فساد» سیر تکاملی گفته‌های صاحب‌قواهر را یافت. ایشان می‌فرماید:

محارب، کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون آورده و یا خود را مجهز به آن نماید و در زمین اراده فساد داشته باشد و فرق نمی‌کند که در خشکی باشد یا در دریا، در شهر یا غیر شهر، در شب یا روز در آن یکسان‌اند (ر.ک. به: امام خمینی، ص ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۲۴).

بر اساس این نظر، برای تحقق محاربه، علاوه بر به کار بردن سلاح و قصد اخافه، قصد افساد فی الارض هم شده است. این نظر بر اساس برداشتی از آیه شریفه ۳۳ سوره مائده است که موضوع حکم دو جزء دارد: یکی محاربه و دیگری افساد در زمین؛ یعنی عنوان مورد نظر جرم (محاربه بر وجه فساد است نه محاربه به تنهایی). در نتیجه، اگر هر یک از شرایط محاربه و افساد تحقق پیدا نکنند، موضوع حکم مذکور در آیه تحقق نیافته است؛ زیرا محاربه و افساد هر یک جزئی از سبب هستند که با تحقق هر دو جزء سبب، مسبب، یعنی مجازات‌های اریحه قابلیت اجرا پیدا می‌کنند (حیپ‌زاده ۱۳۷۹: ۲۳).

بنابراین، مقوله محاربه و افساد با مجازات آن، مقوله سبب و مسبب است که تحقق یک جزء سبب، موجب اجرای مسبب نمی‌گردد، بلکه مجازات مذکور در آیه فقط هنگامی قابل اجراست که محاربه با افساد همراه باشد و الا اگر محاربه موجب فساد نگردد، از شمول حکم آیه خارج است.

با بررسی نظریه حضرت امام خمینی در باب محاربه و نیز استدلال‌های وارده در این خصوص، می‌توان به ارائه راه حل مشخص و روشن در مورد تعریف جرم آدم‌ربایی از دیدگاه حضرت امام (س) پرداخت و آن اینکه با توجه به دخالت عنصر زمان و مکان در اجتهاد و نیز با بررسی وضعیت کنونی ایجاد رعب و هراس و سلب امنیت در جامعه اسلامی، موضوع جرم آدم‌ربایی تا حدود زیادی قابل انطباق بر جرم محاربه و افساد فی الارض است؛ چرا که اکثر ملاکات مندرج در خصوص جرم محاربه و افساد فی الارض، در جرم آدم‌ربایی نیز موجود و قابل رؤیت است، زیرا در حال حاضر، در موارد زیادی آدم‌رباها مجهز به اسلحه بوده و به وسیله اسلحه افراد را می‌ربایند

(ر.ک. به: امام خمینی ب. ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹). بالاخص زمانی که آدم‌ریایی، شکل گروهی و سازمان یافته به خود می‌گیرد و امنیت و آسایش جامعه اسلامی را در سطح وسیعی مورد تهدید و آسیب قرار می‌دهد. از این رو فساد گسترده در جامعه، زمینه‌ساز نظریه حضرت امام (س) مبنی بر محاربه بر وجه فساد است.

یکی از فقهای متأخر در این مورد چنین اظهار نظر کرده که:

قطع ید در مورد بیع حر از جهت فساد فی الارض نمی‌تواند دلیل بر آن باشد که حکم محارب و مفسد فی الارض که در آیه آمده است درباره بیع جاری می‌گردد و حتی اگر کسی را نکشته باشد، علت اینکه فقط در این مورد فرموده اند: علت حکم افساد فی الارض است نه سرقت، این است که در سرقت لازم است شیشی که سرقت می‌شود مال باشد و چون شخص حر مال نیست، دست وی از جهت سرقت قطع نمی‌شود؛ بلکه به خاطر افساد فی الارض قطع می‌شود و در هیچ یک از روایات وارده در قطع ید بیع حر، چنین تملیلی نیامده است و این یک نوع اجتهاد فقهی است و صاحب جواهر تصریح می‌فرماید که از اطلاق روایات استفاده می‌شود که حکم سرقت درباره وی جاری می‌گردد که در آیه آمده است و شیخ (ه) که خواسته است آن را مصادق آیه شریفه قرار دهد، حکم قتل را درباره او جاری نمی‌داند و این دلیل بر این است که حکم هر مفسد فی الارض جواز قتل نیست... به هر حال در کلام شیخ (ه) و سایر فقها دیده نشده است که کسی از آنان مفسد را بما هو مفسد بدون آنکه عنوان محارب بر آن صادق باشد، محکوم به مجازات قاتل بداند (مرعشی ۱۳۷۷ ش: ۹: ۱۵).

اما تحقیق در مقام آن است که فعلیت هر حکم منوط به فعلیت موضوع آن است. در تحقق محاربه صرف کشیدن اسلحه کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن ایجاد ترس و هراس و ناامنی هم لازم است. بنابراین از آنجا که آدم‌ریایی عبارت است از سلب آزادی تن شخص یا اشخاصی و نیز جابجا کردن آنها که ممکن است فعل جابجایی همزمان با فعل ربایش صورت بگیرد. چنانچه این نوع ربایش موجب ایجاد هراس و سلب امنیت در جامعه گردد، می‌توان بر آن شخص، اطلاق محارب و مفسد فی الارض کرد (ر.ک. به: موسوی بجنوردی ۱۳۸۴: ۱۵۲).

نکته آخر اینکه: قانونگذار اسلام برای تمام افعال حرام و کارهای ناشایست، مجازات تعیین نکرده است، بلکه تعداد محدود و منصوصی از آنها را مورد حکم قرار داده است و بقیه را به نحو کلی، در اختیار و به عهده حاکم شرع گذاشته است که وی می‌تواند برحسب اقتضای شرایط و موقعیتها، و همچنین بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تزییری مناسبی را برای فعل محرم یا ترک عمدی واجب الهی، مقرر دارد چنانکه بسیاری از فقها به همین صورت فتوا داده‌اند (نجفی ۱۹۸۱ ج ۳۱: ۱۵).

ب) آدم‌ربایی از دیدگاه قانون

۱- تعریف آدم‌ربایی

«آدم‌ربایی» معادل واژه‌های «abduction» (ریمی ۱۳۸۶: ۱۰)، «kidnapping» (Martin: 2001: 277) در زبان انگلیسی و واژه «senlevements» (کامی ۱۳۸۰: ۵۵) در زبان فرانسه و واژه «اختطاف و خطف» (آذرنوش ۱۳۸۵: ۱۷۲) در زبان عربی می‌باشد که در برخی موارد برای مطلق آدم‌ربایی و در دیگر موارد، برای ربودن دختر به منظور عمل نامشروع به کار می‌رود. تعریفهای زیر نیز برای این واژه ارائه شده است:

- انتقال یک یا چند شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان، که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا با زور انجام گیرد (نظله ۲۰۰۲: ۹۶).

- آدم‌ربایی، جابجا کردن خافلگیرانه فرد، بدون رضایت (حنف، حبله، تهدید و هر نحو دیگر) وی است (گلدریان ب. ۱۳۸۶: ۵۶).

- آزادی بدنی هر فرد به طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی، لغو بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است (جمهری لنگرودی ۱۳۸۲: ۳۲).

بنابراین، آدم‌ربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجایی از محلی به محل دیگر می‌باشد. در اصطلاح قضایی نیز، آدم‌ربایی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد انسانی از آزادی آمد و شد برخلاف میل وی و برخلاف قانون به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگر به حنف یا تهدید یا حبله یا به هر نحو دیگر.

۲- عنصر قانونی جرم آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی یا دزدیدن دیگری، ابتدا در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴ مطرح گردید (ر. ک. به: شکری ۱۳۸۴: ۶۷۹-۶۷۸) و به دنبال آن، ماده واحده طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف در سال ۱۳۳۵ به تصویب رسید (روزنامه رسمی، ش ۳۵۰۲-۱۱/۱۸/۱۳۳۵). در سال ۱۳۵۳ با لغو مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص وضع شد (روزنامه رسمی ش ۸۸۰۶-۱۱/۱۹/۱۳۵۴). به موجب ماده ۱۲ این قانون مقررات مواد ۲۰۲-۲۰۳ قانون مجازات عمومی لغو می‌شود.

در حال حاضر، با تصویب ماده ۶۲۱ ق. م. ا. که اعلام می‌دارد:

هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به صفت یا تهدید یا حیل یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری شخصی را براید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

و با توجه به نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه بایستی این ماده را ناسخ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۵۳ دانست. اداره حقوق قضائیه در این باره اینگونه نظر مشورتی خود را اعلام کرده است:

باتوجه به ق. م. ا. که نتایج و آثار ناشی از ربودن اشخاص مثل صدمات پیش‌بینی شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و یا جرایم دیگر مثل لواط و هتک ناموس و غیره مشمول ق. م. ا. است و توجهاً به ماده ۶۲۱ قانون اخیر التصویب با کلیتی که دارد بالأخص قسمت اخیر آنکه مواد مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان را در بر می‌گیرد. همان‌طور تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۴/۱۲/۱۸ منسوخ است. ماده ۶۲۱ ق. م. ا. در خصوص مجازات اشد است (مجموعه قانون مجازات اسلامی، نظریه ۷/۱۲۰۸-۱۳۷۶/۵/۱۴: ۴۰۱).

لازم است ذکر شود که در موارد مربوط به این جرم، قانونگذار از عناوین مختلفی استفاده کرده است. در مواد ۳۰ ق.م.ا. و ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری اصطلاح آدم‌ربایی به کار رفته و در مواد ۶۲۱ و ۶۲۹ ق.م.ا. از اصطلاحات «بربایده»، «رسودن» استفاده شده و در ماده ۶۳۱ همان قانون، عنوان «بدزده» مورد استفاده قرار گرفته که به نظر می‌رسد واژگان و اصطلاحات مترادفی باشند. در بعضی از این مواد، مانند ۶۲۱ و ۶۳۱ علاوه بر جرم آدم‌ربایی، جرم اخفای دیگری نیز مورد نظر مقنن بوده که باید جرم مستقلی تلقی گردد (آگاهی‌نا ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۳- عنصر مادی جرم آدم‌ربایی

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم آدم‌ربایی «ریودن» است. همان‌طور که ریودن مال مستلزم نقل مکان کردن مال دیگری بدون رضایت مالک آن می‌باشد، برای تحقق جرم آدم‌ربایی نیز، برخلاف جرم حبس کردن غیرقانونی، باید شخص دیگری بدون رضایت خودش (چه به‌طور پنهانی و چه به‌صورت علنی) جابجا شود (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۵). با این حال، جابجایی باید به گونه‌ای باشد که مفهوم حرفی ریودن را متبادر نماید. در تعامل آدم‌ربایی و سلب آزادی تن باید به نکات ذیل توجه داشت. اینکه لازمه قطعی آدم‌ربایی و به‌عبارت دیگر مقدمه لازم آدم‌ربایی آن است که از طرف ابتدا سلب آزادی تن شود و سپس در چنین وضعی جابجایی صورت گیرد. گاهی هر دو عنوان ممکن است همزمان محقق گردند، مانند اینکه راننده اتومبیلی در جریان رانندگی مبادرت به ریودن سرنشین آن نماید. با این حال هرگز نمی‌توان تصور کرد که بازداشت مؤخر بر ریودن باشد یا به‌عبارت دیگر نباید سلب آزادی تن را نتیجه ریودن دانست.

نتیجه قبول یا عدم قبول استدلال فوق در تعیین مطلق یا مقید به نتیجه بودن جرم آدم‌ربایی رخ می‌نماید. به نظر می‌رسد که با توجه به استدلال فوق، آدم‌ربایی را باید جرم مطلق به حساب آورد. (آگاهی‌نا ۱۳۸۶: ۱۷۲).

در مورد آنی یا مستمر بودن جرم آدم‌ربایی نظرها و دیدگاه‌های مطروحه متفاوت است. بعضی معتقدند که ریودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی‌علیه می‌گردد که جرمی آنی است. در حالی که مخفی کردن، جرمی است مستمر و ممکن است محل آن جایی مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد (گلدوزیان در ۱۳۸۶: ۲۱۴). همچنین برخی قائلند که آدم‌ربایی به محض سلب آزادی و شروع به جابجایی واقع می‌گردد. لذا جرمی آنی است ولی مخفی کردن جرمی مستمر

است (شکری ۱۳۸۳: ۶۸۳). اما به اعتقاد یکی از حقوقدانان معاصر پذیرش این دو دیدگاه به دلایل ذیل با مشکلات فراوانی روبروست:

نخست، اگر لازمه آدم‌ربایی را جابجایی شخص بازداشت شده بدانیم، آنی بودن آن محل تردید است. جابجایی اقدامی است که مستلزم گذشت زمان متعارف است.

دوم، اگر این جرم را آنی بدانیم در واقع باید مرور زمان آن را از لحظه وقوع جرم محاسبه نمود و در این صورت اگر شخص ربوده شده به مدت طولانی در اختیار آدم‌ربا قرار داشته باشد، شروع مرور زمان از همان لحظه اول باید محاسبه شود که بی بنیادی این نظریه نیاز به توضیح ندارد. سوم، مقایسه مال و انسان به عنوان موضوع جرم سرقت و آدم‌ربایی از این نظر، قیاس مع الفارق است و نمی‌توان با وحدت منطوق عنوان عمل یعنی ربودن، حکم به تسری شرایط ربودن مال به آدم‌ربایی داد.

چهارم، بناءً علیهذا، آدم‌ربایی را باید جرم مستمر بدانیم و مرور زمان آن را از لحظه آزادی شخص ربوده شده و مشروط به این که مدت زمان متعارف از ربودن گذشته باشد، محاسبه کنیم (آکایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۴).

به هر حال، بایستی گفت که نظریه اخیر با نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری شماره ۷/۹۲۰۵- ۱۳۸۱/۱۰/۱۷- ۱۳۸۱/۱۰/۱۷- ۷/۹۲۰۵ تقویت می‌شود که: «اگرچه به محض ربودن یا سلب آزادی شخص جرم محقق می‌گردد ولی تا زمانی که فرد ربوده شده آزاد نگردیده است، جرم استمرار خواهد داشت.» در مواد ق. م. ا. آدم‌ربایی یا اخفا به دو شکل مطرح گردیده است: نخست، مباشرت قانونگذار این مصداق را با جمله «... شخصاً... شخصی را بریاید...» مشخص نموده و منظور موردی است که آدم‌ربایی توسط مرتکب، مستقیماً و بدون واسطه انجام می‌گیرد. دوم، تسبیب که با عبارت «... هرکس... توسط دیگری شخصی را بریاید یا مخفی کند...» بیان شده است. در این حالت، آدم‌ربا عملیات اجرایی ربودن مجنی علیه را خود شخصاً انجام ندهد؛ بلکه به دستور وی توسط دیگری انجام شود، نظیر سرکرده یک باند تبهکار که دستور ربودن کسی را صادر می‌نماید و افراد وی مباشرت به ربودن شخص می‌نمایند.

نکته‌ای که در مورد اخفا و مخفی نمودن در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. به نظر می‌رسد این است که، عمدتاً مخفی نمودن وقتی عنصر مادی در جرم مذکور محسوب می‌گردد که مسبوق به ربودن باشد و الا مشمول ماده ۵۸۳ ق. م. ا. می‌گردد. همچنین، هرگاه کسی مانع از خروج دیگری از

محلّی گردد و وی را در همان محلّ مخفی نماید و سپس در قبال آزادی وی درخواست وجه نماید، حملش مشمول این ماده است گرچه مسبوق به ربودن نباشد (شکری ۱۳۸۶: ۶۸۲).

لازمه جرم آدم‌ربایی و اخفا، عدم رضایت مجنی علیه است. بنابراین رضای او مانع تحقق جرم خواهد بود. اشکال زوال رضایت مؤثر نیست و قانونگذار با تصریح به «... به حنف یا تهدید یا حبله یا به هر نحو دیگر شخصی را بریاید یا مخفی نماید...» بر ضرورت عدم رضایت و بی‌تأثیری شکل زوال آن، مهر تأیید نهاده است (آقایان ۱۳۸۶: ۱۷۶). البته ذکر طرق و کیفیت سلب آزادی تن از شخص مجنی علیه در متن ماده فوق‌الذکر جنبه تمثیلی دارد، نه حصری؛ چون در قسمت دیگر همان ماده، عبارت «یا به هر نحو دیگری» آورده شده است که شامل مصادیق دیگر از قبیل بی‌هوش کردن، مستی و غیره می‌شود. بنابراین، ربودن و مخفی کردن یک فرد تعدّد جرم محسوب نمی‌شود و مستوجب یک مجازات است.

۴- عنصر معنوی جرم آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی از جرایم عمدی است که نیاز به قصد مجرمانه یا سوء نیت عام ربودن (قصد استیلا یافتن و نقل مکان انسان) و سوء نیت خاص (قصد تحصیل نتیجه مجرمانه یا قصد سلب آزادی از فرد ربوده شده) دارد. از طرف دیگر، مرتکب باید به انسان بودن و زنده بودن فرد ربوده شده علم داشته باشد. به تعبیر دیگر، مرتکب با علم به موضوع جرم و وصف آن، یعنی انسان زنده در هنگام انجام رفتار مجرمانه، یعنی ربودن و اخفا حامد باشد. جهل به اینکه آنچه می‌رباید انسان زنده است یا اینکه در طفل تازه متولد شده نسبت به مرده و یا زنده بودن چنین طفلی مرتکب اشتباه شود و یا آنها را با «انسان دیگری» موضوع ماده ۶۲۱ اشتباه نماید، حسب مورد عنوان جرم ارتكابی متفاوت خواهد بود (آقایان ۱۳۸۶: ۱۷۷). بنابراین، هرگاه وی از وجود کسی در داخل صندوقِ خودرو مطلع نبوده و خودرو را حرکت دهد، یا انسان خوابیده‌ای را جسدی پنداشته و آن‌را، به قصد پنهان یا دفن کردن آن، حرکت دهد، و یا به‌طور صادقانه در مورد رضایت فردی که وی را با خود می‌برد اشتباه کرده باشد، مرتکب جرم آدم‌ربایی نخواهد شد. لیکن، انگیزه مرتکب از اقدام به ربودن دیگری مؤثر در مقام نیست (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۳۹۷).

قصد مطالبه وجه یا مال یا قصد انتقام یا به هر منظور دیگر حتی قصد ازدواج و غیره، همه بیانگر انگیزه‌های ارتکاب جرم بوده و در ماهیت جرم تأثیری ندارد و فقط ممکن است در میزان مجازات مرتکب مؤثر باشد. به‌طور مثال، براساس رأی شماره ۱۰۲۱ - ۱۳۲۵/۸/۲ شعبه دیوان عالی کشور:

برای تحقق و تمامیت جرم آدم‌ربایی کافی است که متهم زن منظور را از خانه‌اش خارج کند و لکن اینکه قبل از وصول به مأمین و مقصد در اثر سوانمی موفق به انجام عمل نگردد (متین دفتری ۱۳۸۲: ۲۹۷).

پس در موردی که چند نفر متهم با هدف نهایی سرقت محموله و بار (ورقه آهن) تریلی، راننده تریلی را همراه با وسیله نقلیه‌اش از مسیر اصلی خود منحرف نموده و به نقطه نامعلومی می‌برند، جرم آدم‌ربایی محقق خواهد شد. لذا رأی شماره ۱۶/۵۶۸/۷۱ (بازگیر ۱۳۷۵: ۲۲۰) دیوان عالی کشور که حمل مرتکبان را با این استدلال که علت خرابی و هدف نهایی متهمین، سرقت محموله کامیون بوده و نه خود راننده و تمامی اقدامات و عملیات انجام شده از ناحیه متهمین، تمهید و مقدمه برای سرقت بار ورق آهن کامیون بوده، آدم‌ربایی نمی‌داند، کاملاً مخدوش است؛ چون اولاً، دیوان عالی کشور در این مورد سوء نیت مرتکب را با انگیزه خلط کرده است. درحالی که انگیزه، در ماهیت این جرم تأثیری ندارد. ثانیاً، مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر، الزاماً به معنای داخل شدن مقدمه در ذی‌المقدمه نیست. همان‌گونه که در جرم سرقت عنصر بردن از جنبه معنوی مستلزم آن است که «سارق بداند و بخواهد که مال دیگری را ببرد» و «مجنی علیه نداند و یا نخواهد که مالش برده شده». در جرم آدم‌ربایی نیز لازمه تحقق عنصر رسیدن، آن است که آدم‌ربا بداند و بخواهد که شخصی را برباید و از طرف دیگر مجنی علیه نخواهد یا نداند که ربوده شود (حبیب‌زاده ۱۳۸۳: ۲۹).

اما نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که گاهی ممکن است، مرتکب دارای انگیزه خیرخواهانه‌ای باشد؛ مثلاً دختری را که در معرض تجاوز و هتک حیثیت است، بربایند تا گزندگی به او نرسد بدون اینکه شخص ربوده شده از این موضوع خبر داشته باشد و به آن رضایت داده باشد یا زن مطلقه‌ای فرزند خود را که حضانتش برعهده پدر است در راه کودکیستان و به انگیزه ارضای حواطف مادری برباید و پس از چند ساعت او را احاده نماید، آیا چنین اعمالی را می‌توان به استناد ماده ۵۲۱، از مصادیق آدم‌ربایی دانست؟

در پاسخ به این سؤال چند دیدگاه مطرح است:

اول، ممکن است از ظاهر ماده ۶۲۱، چنین استنباط شود که پاسخ به سؤالی از این قبیل، مثبت است. اما منطق حقوقی و انصاف قضایی اقتضا می‌کند که چنین عملی را مشمول ماده مذکور ندانیم. همچنان که سابقه وضع این ماده به خوبی بیانگر این مطلب است، زیرا ماده یک قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جای عبارت «هر منظور دیگر»، عبارت «هر منظور سوء دیگر» را به کار برده بود و در نتیجه باید گفت که انگیزه خیرخواهانه، در اینجا نسبت به مسئولیت کیفری تأثیر دارد و سوءنیت را به کلی زایل می‌کند. ماده ۶۲۱، گرچه قصد سوء را بیان نکرده، اما مواردی که در این ماده به عنوان مصداق بیان شده است «قصد مطالبه وجه و قصد انتقام» ظهور در این مطلب دارد (زراعت ۱۳۸۵: ۳۳۵).

دوم، آدم‌ربایی با انگیزه انسانی از شمول ماده ۶۲۱، خارج خواهد بود. این نتیجه‌گیری که بر صحت آن تردید نیست نباید خروج اقدام از ماده ۶۲۱ را به معنای مباح بودن آدم‌ربایی و اخفا تلقی نمود، بلکه چنین اقدامی ممکن است از مصادیق بازداشت یا اخفا غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا. باشد. لذا به نظر می‌رسد آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ در اینگونه موارد، محقق نشده باشد (آلایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۷۹).

سوم، با وجود قصد مجرمانه، انگیزه در تحقق جرم اهم از شرافتمندانه یا هیر شرافتمندانه بی‌تأثیر است و تنها می‌تواند موجب تأثیرگذاری بر میزان مجازات و رعایت کیفیات مخفیه یا مشدده باشد. بنابراین، انگیزه سیاسی، مانع تحقق جرم عمدی آدم‌ربایی یا مخفی کردن ربه شده نمی‌باشد (گلدوزیان در ۱۳۸۶: ۲۱۵).

چهارم، وجود انگیزه شرافتمندانه موجب تخفیف مجازات مرتکب خواهد شد و مواردی هم که تحت یکی از عوامل سالب مسئولیت کیفری، مثل اضطرار قرار گیرد، جرم و قابل مجازات محسوب نمی‌شود. مثل اینکه کسی فردی را که در اثر سانحه‌ای بیهوش شده است داخل خودرو خود گذاشته و راهی بیمارستان شود (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۷).

به نظر می‌رسد که استدلال دیدگاه اول و دوم با معیار حرف و منطق حقوقی و نیز حذف واژه «سوء» از سوی مقنن در قسمت اخیر ماده ۶۲۱ ق.م.ا. با توجه به سابقه آن در ماده یک تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ سازگارتر باشد که در این صورت، اقدامات صورت گرفته از جانب مرتکب با انگیزه شرافتمندانه را بایستی از مصادیق بازداشت و مخفی نمودن غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا. دانست.

۲) مجازات و علل تشدید مجازات آدم‌ربایی در قانون مجازات اسلامی (الف) مجازات آدم‌ربایی در قانون مجازات اسلامی

مجازات اصلی جرم آدم‌ربایی به معنای عام کلمه در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. بدین گونه مقرر شده است:

۱- حبس از ۵ تا ۱۵ سال برای هر کس که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری، شخص را برآید؛

۲- حبس ۱۵ سال برای ربودن مجنی علیه که سن وی کمتر از ۱۵ سال تمام باشد؛

۳- حبس ۱۵ سال برای آدم‌ربایی با وسایل نقلیه؛

۴- حبس ۱۵ سال برای آدم‌ربایی توأم با ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه.

ذکر نکته‌ای در اینجا بایسته است. از آنجا که جرم آدم‌ربایی از جمله جرایم تعزیری و عمدی است، قاضی دادگاه به استناد مواد ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ - یا مواد (۱- ۱۲۳ و ۲- ۱۲۳) در لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی (فصلنامه پژوهشی، تحلیلی... ۱۳۸۶: ۲۱) - حق اجمال مجازات یا اقدامات تکمیلی را در مورد شخص آدم‌ربا دارد. ماده ۷۲۸ ق.م.ا. بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز به قاضی دادگاه اختیار استفاده از مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی را داده است.

اجرای مجازات جرم آدم‌ربایی اهم از ساده یا مشدد به استناد بند ۲ ماده ۳۰ ق.م.ا. و نیز بند ب ماده ۸- ۱۵۳ لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی (فصلنامه پژوهشی، تحلیلی... ۱۳۸۶: ۳۱) قابل تعلیق نیست و تعقیب مرتکب نیز مستلزم شکایت بزه دیده نخواهد بود؛ ولی گذشت او می‌تواند به عنوان یکی از جهات مخففه، موجبی برای تخفیف باشد. (بند ۱ ماده ۲۲ ق.م.ا. و بند ۱ ماده ۲- ۱۵۱ لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی).

اجرای مجازات معاونت در آدم‌ربایی و اخفا موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا. قابل تعلیق است. چنانچه جرمی مقدمه یا لازمه آدم‌ربایی باشد و یا آدم‌ربایی مقدمه یا لازمه جرم دیگری باشد، مرتکب به استناد قسمت اخیر ماده ۶۲۱، به جمع مجازات و محکوم خواهد شد (آکایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۰).

ب) علل تشدید مجازات جرایم ماده ۶۲۱ ق. م. ا.

۱- سن قربانی

قانونگذار در برخی مواقع، به لحاظ کم بودن سن مجنی علیه، مجازات مرتکب را تشدید کرده است. در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. در هر دو عنوان مجرمانه آدم‌ربایی و اخفاء سن از موجبات تشدید مجازات است و اقدام یا نتیجه دیگری در این مورد برای تشدید لازم نیست. هرچند سن بلوغ به موجب ماده ۱۲۱۰ ق. م. برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است، اما در جرم آدم‌ربایی در صورتی که فرد ریوده شده کمتر از ۱۵ سال داشته باشد مجرم به حداکثر مجازات، یعنی ۱۵ سال حبس محکوم شده و از این نظر تفاوتی میان دختر و پسر وجود ندارد.

باتوجه به اینکه، کیفیت مشدده مبنای شرعی ندارد، مراد از سال را باید سال شمسی (و نه قمری) دانست. به علاوه، به نظر می‌رسد که علم مرتکب به سن مجنی علیه ضرورتی ندارد و این تشدید در هر حال بر او بار خواهد شد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۳۹۸). تعیین سن به عنوان جهتی برای تشدید به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر اطفال در مقایسه با افراد بالغ و ضعف آنها در مقام دفاع از خود و فقدان تجربه کافی برای دفع مخاطرات و امثال آنها است (آلایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۲).

۲- وسیله ربایش

آدم‌ربایی از شمار جرایمی است که نوع وسیله ارتكابی در ماهیت آن مؤثر نیست و فقط می‌تواند در میزان مجازات مرتکب اثرگذار باشد.

وسيله نقلیه در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، اما اطلاق آن در اینجا شامل وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری (گلدوزیان ۱۳۸۶: ۲۱۷) و اعم از وسیله نقلیه زمینی، دریایی یا هوایی (آلایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۲) می‌باشد. علت تشدید مجازات، آن است که چنین وسایلی هم موجب تسریع و تسهیل در وقوع جرمند و هم رعب و وحشت فزاینده‌ای را به دنبال دارند.

۳- ایراد آسیب جسمی یا حیثیتی

آسیب باید در نتیجه آدم‌ریایی به فریانی وارد شود. به عبارت دیگر، بین این دو رابطه سببیت موجود باشد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۸). معمولاً آسیب جسمی همراه آسیب روحی است که در ماده ۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص نیز پیش‌بینی شده است. آسیب حیثیتی، سوء استفاده‌های جنسی است که آبروی فرد را در معرض خطر قرار دهد. در این قبیل موارد، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد (گلدوزیان بد ۱۳۸۶: ۲۱۷).

اطلاق عبارت به معنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود... هم فرضی را که آسیب ضمن ربایش صورت گرفته است و هم فرضی را که پس از ربایش وارد می‌آید، شامل می‌گردد (شکری ۱۳۸۴: ۶۸۳).

ایرادی که در این خصوص به ماده ۶۲۱ ق. م. ا. وارد است آن است که مانند مواد ۲ و ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به صراحت آسیبهای روحی و روانی وارده در اثر آدم‌ریایی را موجب تشدید ندانسته است، ضرورت دارد به هنگام انجام اصلاحات جدید، برطرف شود.

ج) بررسی ماده ۶۳۱ ق. م. ا. و ماده ۶۲۱ آن قانون

ماده ۶۳۱ ق. م. ا. مقرر می‌دارد:

هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

قبل از انقلاب، مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به «ربودن طفل تازه متولد شده اختصاص داشت. در ماده ۱۹۵ قانون فوق‌الذکر چنین آمده بود:

هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل دهد به شش ماه الی سه سال حبس جنجهای محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۶ همان قانون اشعار می‌داشت:

هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور و واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یک ماه الی شش ماه حبس جنحه‌ای است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده مجازات مقصر از یازده روز تا دو ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود.

پس از انقلاب اسلامی، بنا به تغییرات به وجود آمده در قوانین، جرم ربودن طفل تازه متولد شده در ماده ۹۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ گنجانده شد. تفاوت اصلی قانون لاحق با قانون سابق در پیش‌بینی نوع مجازات بود که در مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مجازات به صورت حبس جنحه‌ای بود، اما قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، از شلاق به جای حبس استفاده کرده بود.

اجرای ماده ۹۷ قانون تعزیرات تا سال ۱۳۷۵ به طول انجامید تا اینکه در این سال با تصویب قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ماده ۶۳۱ آن قانون، به جرم ربودن طفل تازه متولد شده اختصاص یافت که در حقیقت بنابه نص صریح ماده ۷۲۹ اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷، تمام قانون مجازات عمومی و اصلاحات و الحاقات آن را منسوخ اعلام کرده است که مواد متمم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰/۴/۲۷ که با شماره ۲۸۱ به بعد از ماده ۲۸۰ الحاقیه قانون مجازات عمومی شروع شده نیز مشمول حکم است (ن.م.ا.ح. ق. ق. ۷/۳۶۶۳ - ۷۷۷/۱۳).

منظور از طفل تازه متولد شده، طفلی است که به سادگی قابل تمایز با نوزادان دیگر نبوده و قابل جایجایی با طفل دیگر باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

علت اینکه، قانونگذار واژه «دزدیدن» را به جای «ربودن» برای طفل به کار برده است، در حالی که دزدیدن معمولاً برای ربودن اموال به کار می‌رود آن است که نوزاد به دلیل ناتوانی از حرکت و دفاع، در حکم مال می‌باشد. هرچند ممکن است قانونگذار به این تفاوت توجهی نداشته و همان آدم‌ربایی را اراده کرده باشد، زیرا این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند (زراعت، ۱۳۸۵: ۳۳۶).

مهم‌ترین وجه تمایز جرم موضوع ماده ۶۳۱ و ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ر در انگیزه مرتکب می‌توان جستجو کرد؛ زیرا ربایش طفل در اینجا به منظور تصاحب و پذیرش او به فرزندگی و نگهداری طفل است. همین‌طور مخفی نمودن طفل ناظر به موردی است که طفل را بدون آنکه دیگران بفهمند، مخفی می‌کند تا بعداً آن را برده و خود نگهداری نماید (شکری، ۱۳۸۴: ۵۹۹).

در مورد بند ۱... متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید... ماده ۶۳۱ ق.م.ا. ذکر چند نکته حایز اهمیت است:

اول اینکه، منظور از به جای طفل دیگر قلمداد نمودن، عوض نمودن دو طفل با یکدیگر است (شکری ۱۳۸۶: ۶۹۹).

دوم اینکه، جرایم دزدیدن یا اخفای طفل تازه متولد شده از ناحیه هرکس حتی پرستاری که اطفال در اختیار آنها هستند، امکان‌پذیر است مگر والدین، ولی قلمداد کردن طفل به جای طفل دیگری و یا متعلق به زن دیگری از سوی والدین طفل نیز متصور است (آکایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۲).

سوم اینکه، بند فوق‌الذکر، ناظر به حالتی است که شخصی که طفل متعلق به وی قلمداد می‌گردد، خود طفلی ندارد. به عبارت اخیری، در اینجا مرتکب طفل را متعلق به زنی که طفل او سقط شده یا مرده به دنیا آمده قلمداد نماید (شکری ۱۳۸۶: ۶۹۹).

نکته‌ای که در مقایسه ماده ۶۳۱ و ۶۲۱ ق.م.ا. جلب توجه می‌کند این است که ماده ۶۲۱ کم سن بودن قربانی را موجب تشدید مجازات و در چنان حالتی مجازات مرتکب را پانزده سال حبس دانسته است؛ درحالی که در ماده ۶۳۱ که قربانی آن نوزاد جدیدالولاده است، مجازات رسیدن یا مخفی کردن یا متعلق به زن دیگر قلمداد نمودن چنین نوزادی بسیار سبک‌تر از مجازات مذکور در ماده ۶۲۱، یعنی عبارت از شش ماه تا سه سال حبس، می‌باشد که این تفاوت قابل توجیه به نظر نمی‌رسد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۹).

آخر الامر با بررسی دوباره ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ ق.م.ا. به نظر می‌رسد قانونگذار تفاوتی بین موردی که طفل حاصل از رابطه مشروع و یا متولد از ازدواج غیرقانونی و نامشروع باشد، قائل نشده است و برای تأیید این نظر می‌توان به اطلاق ماده ۶۳۱ استناد کرد و آنچه مورد نظر مقنن بوده، نفس جرم «ربودن طفل تازه متولد شده» است که امنیت روانی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

آدم‌ربایی در فقه از جمله جرایمی است که در قالب عناوین هام تمزیرات و افساد فی الارض بیان شده است و در مواردی نیز در مبحث سرقت و غصب آمده است. همان‌گونه که حضرت امام خمینی در باب سرقت به مسأله ربودن انسان آزاد کبیر یا صغیر پرداخته‌اند. البته براساس اتفاق نظر

فقه‌های شیعه و سنی، شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت مال باشد. از این رو ربودن انسان آزاد، مجازات سرقت را در بر ندارد. بنابراین، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند، اما برای پرون رفت از این مسأله با استناد به روایات وارده در باب سرقت، مجازات فعل سرقت را برای جرم آدم‌ربایی پیش‌بینی می‌کنند و حتی در توجیه و هلت‌یابی آن، به نظریه افساد فی الأرض تمسک می‌جویند. از طرف دیگر، می‌توان گفت جرم آدم‌ربایی در حقوق جزای ایران از لحاظ عنصر مادی - با عنایت به اختلاف نظر حقوقدانان در این زمینه - جرم آنی و مقید به نتیجه است و از نظر عنصر روانی، جرمی عمدی است که هم نیاز به سوء نیت عام دارد و هم سوء نیت خاص. ولیکن انگیزه مرتکب گرچه خوب و شرافتمندانه باشد، برخلاف قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳. و رویه‌های قضایی موجود، تأثیری در ماهیت این جرم نداشته و عنصر روانی این جرم را زایل نمی‌کند. برخی از مصادیق آدم‌ربایی در قانون، عنوان خاص مجرمانه دارد که آنها را از شمول عنوان عام آدم‌ربایی خارج می‌کند؛ مانند ربودن طفل تازه متولد شده (ماده ۶۳۱ ق.م.ا.) و ربودن اتباع ایرانی توسط خارجیان.

از نظر فقهی نیز بایستی جرم آدم‌ربایی را از مصادیق جرایم تعزیری دانست که در شرع مقدس مجازات خاصی برای آن معین نگردیده و قاضی باید با توجه به مصالح اجتماعی مجازات مناسبی را برای آن در نظر بگیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- آذرنوش، آذرنوش. (۱۳۸۵) *فرهنگه مختصر عربی - فارسی*، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- آکایی‌نیا، حسین. (۱۳۸۶) *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ دوم.
- ابن‌قنامه، عبدالله بن احمد. (بی‌تا) *تکلیفی فی الفقه ابن حنبل* گردآوری شده در الموسوعات الفقهیه توسط علی‌اصغر مروارید، بیروت: دارالقرات.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۲۱) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (ب. ۱۳۸۵). *ترجمه تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ . (ب. ۱۳۸۵). *صحیحه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- بازگیر، پداده. (۱۳۷۵) *مطل‌نظری آرای سبیری در نصب دیوان عالی کشور*، تهران: حقوقدان، چاپ اول.
- جمفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۲) *ترمیم‌نویسی حقوقی*، تهران: گنج دانش، چاپ هفتم.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماحیل رحیمی نژاد. (۱۳۸۳) *جرم‌های جدیدی در حقوق ایران*، تهران: مجله دادرسی، ش ۳۳.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۹) *مطالعه در حقوق کیفری ایران*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (بی تا) *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۸۵) *مجموعه قوانین کاربردی*، تهران: مجد، چاپ اول.
- خواناتاری، سید احمد. (۱۳۶۶) *جامع الفکر*، قم: مؤسسه اسماحیلیان، جلد هفتم.
- خویی، سید ابراهیم. (۱۴۲۲) *مجلسی کفایه المتعبدین*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی.
- ربیعی، محمدتقی. (۱۳۸۶) *فرهنگ حقوقی مجد*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ نهم.
- *روزنامه رسمی*، سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۴.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۵) *حقوق جزای اختصاصی ۱*، تهران: فکرسازان، چاپ سوم.
- شکری، رضا و سیروس قادر. (۱۳۸۶) *قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی کنونی*، تهران: نشر مهاجر، چاپ چهارم.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۱۳) *تهدیب الاحکام*، بیروت: دارالأنوار.
- _____ . (۱۳۳۳) *الکفایه*، ترجمه محمدتقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۰۶) *تفسیر الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الاحمدیه)*، قم: المطبعه العلمیه.
- *فصلنامه پژوهشی قضایی، آموزشی مجد*. (پاییز ۱۳۸۶) *ریزه لایحه قانون مجازات اسلامی با همکاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، انتشارات مجمع علمی - فرهنگی مجد، سال اول، ش ۲.
- کاتبی، حسینقلی. (۱۳۸۰) *فرهنگ حقوق فرانسه به فارسی*، تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- گلدوزیان، ایرج. (بد ۱۳۸۶) *حقوق جزای اختصاصی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.
- _____ . (ب ۱۳۸۶) *مجلسی قانون مجازات اسلامی*، تهران: مجد، چاپ هشتم.
- متین دفتری، احمد. (۱۳۸۲) *مجموعه رویه قضایی (بخش جزایی)*، تهران: رهام، چاپ دوم.
- *مجموعه قانون مجازات اسلامی (۱۳۸۵)* معاونت پژوهش، تهران: تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
- مرحشی، سید محمدحسن. (۱۳۷۶) *الفساد فی الارض*، *مجله قضایی و حقوقی فداکستری*، شماره ۲۰.
- _____ . (۱۳۷۷) *مخاربه و الفساد فی الارض*، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۴) *کله قضایی بخش جزایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۷) *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ دوم.
- نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۹۸۱) *جواهرالکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نخله، موریس و البلیکی، روحی و مطر صلاح. (۲۰۰۲) *العلوم القانونیه الفلانسه*، منشورات الحلبي الحقوقیه، الطبعة الأولى.